

## رد پای صوفی سیاح «عارف امیرکبیر» در کشمیر

فرزانه اعظم لطفی\*

مرد مقدسی که عرفان اسلامی را به سرزمین هند آورد را می‌توان به جرأت از سیاحان بزرگ عالم اسلام دانست. رد پای عرفانی این صوفی سیاح در سراسر کشمیر بر جای مانده است متأسفانه امیرکبیر از وقایع مسافرت‌های خود آنچنان به‌رشته‌تحریر نپرداخته است و آلا می‌توانست سفرنامه‌ای ترتیب دهد که در حدود «الرحلة» معاصر خود ابن بطوطه (۷۷۹-۷۰۳ هـ) باشد اما می‌توان با رجوع به منابع ذی‌قیمتش چون «خلاصة المناقب» و یا «مستورات» به عظمت عرفانی مسافرت‌های وی پی‌برد.

مسافرت‌های سید در طی را سلوک و فقه بوده است و هدف تحصیل او وعظ و تبلیغ و راهنمایی خلق خدا. به قول خودش سه بار از مشرق تا به مغرب سفر کردیم، بسی عجائب در بحر و بر دیده شد و هر بار به شهری و ولایتش رسیدم عادات اهل آن موضع طریق دیگر دیدم. سید در ترتیب انجام این مسافرت‌ها گفته است: «در دفعه اول شهر به شهر و دفعه دوم قریه به قریه و دفعه سوم خانه به خانه». جعفر بدخشی در ضمن ذکر هدف مسافرت‌ها می‌نویسد: بعضی اولیا را که اختیار نامند و به عدد هفت باشند سیاح نیز خوانند، زیرا که خدای تعالی ایشان را کمال معرفت بخشیده است و در بساط دنیا به سیاحت امر کرده است از مصالح عبّاد و طلبابی را که در اطراف دنیا باشند اهل سیاحت ارشاد کنند: به نظر او علی همدانی یکی از ایشان است علی همدانی برای تحمّل صعوبت‌های مسافرت جذبه محکم داشته و در اتمام هدف‌های عالیّه خود از هیچ کوششی دریغ نکرده است.

---

\* استادیار عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات اردو دانشگاه تهران، تهران.

دربارهٔ حدود مسافرت‌های او غالب نویسندگان کلمهٔ ربع مسکون و همهٔ دنیا را به‌کاربرده‌اند، ولی از چگونگی مسافرت‌های او در مآخذ مذکور برمی‌آید که بعضی از ممالک اسلامی و روم را دیده است. اساس بعضی ممالک و شهرها را که سید دیده است در زیر آورده می‌شود: مزدقان، بلخ، بخارا، بدخشان، یزد، ختلان، بغداد، ماوراءالنهر، شیراز، اردبیل، مشهد، کشمیر، شام (سوریه)، سراندیپ (سیلان)، ترکستان، لداخ (تبت) سائر نقاط شبه قارهٔ هند و پاکستان و بلاد عربی. در مستورات می‌آورد که: "در یک موقع بعد از فریضهٔ حج مقام ملک عرب را سیاحت نمود".

از دیگر شهرهایی که سید دیدار کرده، قیچاق (ترکستان) گاندون و جبل القاف قابل ذکر است و در دیدن این شهرها و جاها سید اشرف جهانگیر سمنانی (متوفی حدود ۸۲۸ هـ) هم همراه او بوده است.<sup>۱</sup>

«امیرکبیر» به‌برخی از شهرهای و دهستان‌های ولایت همدان، مانند «اوج»، «درگزین»، «ورکان»، «لنکان»، «برکان»، ولایت‌های کردستان و لرستان نیز رفته‌اند. پس از ۲۳ سالگی یعنی از سال ۷۳۶ هـ به‌بعد به‌سمنان رفته و مدتی در سلک طریقت شیخ اخی علی دوستی در خانقاه آن شهر شاگردی و اقامت نموده است، اما پس از وفات شیخ دوباره به‌همدان بازگشته‌اند. در رسالهٔ انیس السالکین آورده‌اند:

"حضرت میر به‌روایتش هفت نوبت معموره عالم را گردیده‌اند، و به‌روایت اشهر سه کرت و هزار و صد و سی و چهار کس از اولیای خدا را دریافته‌اند".<sup>۲</sup>

درویش شیرازی نیز در «کرسی‌نامه» یاد کرده:

مظهر انوار حق سید علی	در همدان داشت موطن آن ولی
صاحب «اوراد فتحیه» است او	سه کرت معموره را دیده است او
صاحب فضل و علوم و معرفت	بود خورشیدی «نظام‌الدین» صفت

همچنین در صحیفهٔ الاولیا نیز آمده است:

دگر شیخ شیخیم که او سید است	علی نام و الوندی المولد است
بگشت او جهان را سراسر سه بار	بدید اولیا، چهار صد، با هزار

۱. لطایف اشرفی، ج دوم، تذکرهٔ صوفیای بنگال (اردو)، ص ۳۱۰.

۲. روضات الجنان، ج ۱، ص ۱۰۹.

نموده است پنجاه سال اختیار تجافی ز مضجع، زهی مرد کار

شاه همدانی صوفی سیاح نخستین بار در سال ۷۲۴ هـ به کشمیر قدم نهاده و به دعوت نور عرفان در این سرزمین همت گمارد. هرمان اته یاد کرده است که: وی به تاریخ ۷۸۱ هـ در رأس هفتصد تن از مریدان خود به منظور مذهبی به کشمیر تاخت و در آنجا نفوذ زیادی پیدا نمود. امیرکبیر در وعظ و راهبری و تبلیغ دین و ارشاد مریدان و کسب برای اکل حلال و ملاقات‌ها برای مشورت و راهبری پادشاهان و امیران آن وقت. آثار زیاد و ارزنده‌ای به زبان فارسی و عربی بر جا گذاشته است.

مجموعه شعر او را که محتوی چهل و یک غزل و نه رباعی و قطعه می‌باشد هم می‌توان جزو آثار برجسته در ادبیات عرفانی صوفیانه تلقی کرد. چنانچه در کنار آثار منظوم وی جمع آثار منشور اعم از چاپی و خطی بالغ بر حدود صد و ده کتاب ارزنده نیز می‌باشد.

نورالدین جعفر بخشی در خلاصه المناقب می‌نویسد که وقتی علی همدانی درباره آثارش فرموده است:

”ما در این روزگار کسی نشناخت و لیکن بعد از فوت من به صد سال طالبان پیدا شوند که از رسائل من فوائد گیرند و قدر من بشناسند.“

الحق این پیش‌بینی درست درآمده است چرا که بعضی از کتب و رسائل او در شبه قاره هند و پاکستان جزو کتب درسی بوده است و رساله «اوراد فتحیه» او هنوز هم در کشمیر از متداول‌ترین کتب اوراد و وظایف می‌باشد.

آری شاه همدان در سرزمینی قدم نهاده بود که نمایندگان خداوند آن خطه خود به تولید انبوه خدایان با سنگ و چوب می‌پرداختند و بدون اندک توجهی به مقام و منزلت والای خلیفه‌الله خود در برابر ساخته و پرداخته خود تعظیم می‌کردند. نومسلمانان کشمیری در ابتدا بنا بر عادت دیرینه خود که در معابد به نواختن ساز و دهل می‌پرداختند پس از ادای نماز فجر به این عادت ادای فریضه می‌کردند اما شاه همدان با تدبیر عارفانه و صلح‌آمیز خود مردمان آن خطه را به خواندن اوراد فتحیه پس از دعا و نماز فجر ترغیب ساخت. امیر همدان در چنین سرزمین که زمانی بندگان بنده سنگ و کلوخ

بودند. نمازهای پنجگانه را در پنجگاه به ساحل دریا، در همان موضع که اکنون خانقاه اوست به امامت خود می‌گزارد. به قول غنی کشمیری:

باش تا بینی که بی‌آواز طور ملتش برخیزد از خاک قبور

نفوذ عرفانی شاه همدان در کشمیر به حدی می‌رسد که بزرگترین شاعر کلاسیک کشمیری «لاله عارفه» (۷۳۶ هـ) «وخشور بانوی» آن دیار به زعم هندوان شیواترین اشعار عارفانه خود را در حق وی سروده که اکنون به صورت ترانه نزد مردم کشمیر است او از

نورالدین جعفر بخشی در خلاصه المناقب می‌نویسد که وقتی علی همدانی درباره آثارش فرموده است: «مرا در این روزگار کسی نشناخت و لیکن بعد از فوت من به صد سال طالبان پیدا شوند که از رسائل من فوائد گیرند و قدر من بشناسند».

برجسته‌ترین ستاینندگان «شاه همدان» است که اشعار فلسفی و مذهبی وی، حتی امروزه نیز توسط قایق رانان و روستاییان به‌مشابه ادبیات سنتی و مردمی کشمیر، از برخوانده می‌شود. هندوهای دره کشمیر او را «لالا یوگشوری» می‌نامند. یعنی «بانوی و خشور یوگا» و مسلمانان «لالا عارفه». دو جریان بزرگ «شیوا یوگا» فلسفه وحدت وجودی کشمیر، و «عرفان» تصوف الهی اسلام، در وجود «لالا» و شاه همدان جمع شده است. آثار منظوم و مثنوی سید بیش از ۱۱۰ کتاب و رساله و مجموعه شعری اهم به لحاظ سبک و انشا و محتوی و مضمون درخور توجه می‌باشد. وی با گذشت ثلث عمر خود در مسافرت و جهانگردی به زبان و ادب فارسی وقعت و رونق خاصی در کشمیر بخشیده است.

«ذخیره الملوک» او از لحاظ مضمون و لهجه ناصحانه و بی‌باکانه در میان کتاب‌های مهم قدما در اخلاق و سیاست مدن بی‌نظیر است. نامه‌های وی نیز اگرچه به قصد ارشاد و راهنمایی خلق نگارش یافته است، نمونه‌های بی‌نظیری از نثر فارسی را ارائه می‌دهد. شرح فصیح میر سید علی همدانی بر تعدادی از اشعار حافظ و نیز فرهنگی که برای مصطلحات دیوان او پرداخته که در اصل هردو با دید عارفانه است در نوع خود نخستین اثری است که انجام شده است. هرچند محصول کار وی در این مورد رساله مختصری بیش نیست اما اهمیت شایانی دارد زیرا علاوه بر فضل تقدم، شارح خود نیز

با خواجه شیراز معاصر بوده و او را ملاقات کرده است و خواه ناخواه شناخت و برداشت او از لسان‌الغیب به واقعیت نزدیک‌تر است تا دیگران که قرن‌ها بعدی از وی می‌زیسته‌اند.

همچنین گزارش یکی دیگر از معاصران حافظ به نام سید محمد اشرف جهانگیر سمنانی، مرید سید علی همدانی است که از خواجه حافظ به عنوان یک عارف کامل یاد کرده است. این اثر سید اهمیت خواجه را در روزگار حیاتش آشکار می‌سازد که شخصیتی به عظمت سید همدانی که ظاهراً از خواجه سالخورده‌تر بوده با آن همه مشاغل و گرفتاری‌های که خود داشته، در روزگار حیات خواجه و حتی پیش از جمع‌آوری دیوان وی این رساله را برای کمک به درک اشعارش پدید آورده است.

اکنون به بررسی شیوه سبک نگارش و آثار او می‌پردازیم:

شاه همدان در نگارش‌های خود به زبان وقت هم توجه خاصی داشته است، گویا به زبان رایج و متداول زمان خود اکثر می‌نگاشته است، چنانچه می‌توان دریافت که سبک نگارش زمان او (قرن هفتم، هشتم) ساده و مصنوع بوده است. مثلاً رساله «آداب سفره» و «چهل مقام صوفیه» او برای مبتدیان نوشته شده لذا مطالب ساده و عام فهم است، اما «ذکریه» و «عبارات» برای خواص مصنوع و مسجع است. استاد علی اصغر حکمت خصوصیات عمومی سبک نثر قرن هشتم را چنین بیان می‌کند:

۱. کمال آمیختگی و اختلاط زبان فارسی با ادب و لغت عربی.

۲. تأثیر و نفوذ کامل معارف و تعلیمات و آداب دین اسلام در نگارش‌ها.

۳. تأثیر آثار و اقوال صوفیه گذشته در آثار و خاصه در نظم و نثر متصوفه قرن هشتم. آثار فارسی امیرکبیر نیز دارای چنین خصوصیتی است، اما سید همانند دیگر متصوفه هر فن به آثار پیشینیان نیز نظر کامل نیز داشته است، چرا که برای تهیه مواد نگارش خود در نظم و نثر از آثار آنان فیض برده است.

### آثار فارسی شاه همدان

۱. ذخیره الملوک، در موضوع علم اخلاق و سیاست مؤمن.

۲. مرآت التائبین، دارای چهار باب در بحث توبه و کناره جستن از معاصی.

۳. مشارب‌الاذواق، در شرح عرفانی قصیده معروف خمریه میمیه ابن فارض مصری، شیخ عمر بن ابی‌الحسن (۶۳۲ هـ).
۴. اوراد فتحیه، مجموعه مشتمل بر اوراد و اذکاری است که شاه همدان برای مریدان و طالبان و ذاکران عمومی جمع‌آوری کرده است.
۵. سیرالطالبین، موضوع آن سیر و سلوک و تصوّف و عرفان و تزکیه و تطهیر نفوس است.
۶. ذکریه (فارسی)، این رساله شریف پیرامون احوال و کیفیات و فوائد اذکار و اوراد است به طریق صوفیه کبرویه.
۷. مکتوبات امیریه، این رساله مربوط به نامه‌ها و امرا و سالکان راه حق و دوستان و مریدان وی می‌باشد.
۸. عقلیه، این رساله در فضیلت عقل انسانی با توجّه به آیات قرآن مجید و احادیث پیغامبر ص و اقوال صحابه و تابعین و بزرگان نوشته شده است.
۹. داوودیه، در آداب و سیر اهل کمال.
۱۰. رساله بهرام‌شاهی، این رساله به‌التماس سلطان محمد بهرام شاه حاکم بدخشان نوشته شده است و در واقع اولین نامه معرفی شده در مکتوبات امیریه است.
۱۱. رساله موچلکه، یکی از ارادتمندان سید بوده و در دنباله ملاقات و صحبت موچلکه با سید نگارش شده است.
۱۲. واردات امیریه، این رساله مانند واردات و مناجات از خواجه عبدالله انصاری هروی به‌نثر مسجّع و گاهی مقفّی تألیف شده است و همانند رساله‌های خواجه واردات و کیفیات درونی مؤلف را دربردارد.
۱۳. ده قاعده، این رساله ترجمه آزاد فارسی الاصول العشره تألیف شیخ نجم‌الدین کبری می‌باشد. مضمون رساله حقیقت «اصول ده‌گانه» سالکان گروه «کبرویه» می‌باشد.
۱۴. چهل مقام صوفیه، سید در این رساله به‌ذکر چهل مقام صوفیه به‌زبان ساده پرداخته است: نیت، انابت، توبه، ارادت، مجاهده، مراقبه، صبر، ذکر، مخالفت نفس، رضا، موافقت برملا، تسلیم، توکل، زهد، عبادت، ورع، اخلاص، صدق، خوف، رجا، فنا، بقا، علم‌الیقین، حق‌الیقین، معرفت، ولایت، محبت، شوق، وحدت قربت، وصال،

کشف، محاضره، تجرید، ولایت، تفرید، انبساط، تحیر، نهایت و تصوّف درباره آخر می‌فرماید:

شرح فصیح میر سیّد علی همدانی بر تعدادی از اشعار حافظ و نیز فرهنگی که برای مصطلحات دیوان او پرداخته که در اصل هردو با دید عارفانه است در نوع خود نخستین اثری است که انجام شده است. زیرا علاوه بر فضل تقدم، شارح خود نیز با خواجه شیراز معاصر بوده و او را ملاقات کرده است.

”مقام چهل تصوّف است و صوفی آن بود که از همه مرادها صافی بود و زبانش از عیب و فضول صافی بود و دلش از هر علت صافی بود و چشمش از خیانت صافی بود و از جهان دوخته بود و با حق آموخته بود و باطنش از آفت صافی بود و نفسش از شهوت صافی بود و ظاهرش از آرایش صورت صافی بود و گفتارش صافی بود که این چهل مقام پیغمبران هم بوده است.“

۱۵. منامیه، این رساله را سیّد در بیان و کیفیت خواب و تعبیر رؤیا و فرق خواب‌های کاملان و ناقصان به تقاضای یکی از مریدان خود که نامش را ذکر نکرده نوشته است.

۱۶. همدانیه، در اصل توجه سیّد به معنای عرفانی کلمه مبذول است و چند منسوب از امام فخرالدین رازی (م: ۶۰۶ هـ) که:

آنکس که بداند و بداند که نداند      او خویشتن از دست ضلالت برهاند  
اینک به عراق اندر شهریست معظم      کو را «همدان» خوانند او هیچ نداند

در اصل معنای عرفانی «همدان» فقط ذات باری تعالی است و دعوی «همدانی» دیگران فاقد حقیقت است البتّه از نظر سیّد آن کس می‌تواند همدان گردد که به «همدان مطلق» واصل گردد.

۱۷. رساله اعتقادیه، این رساله درباره مبانی و اعتقادات مسلمانی است که می‌فرماید: عقائد مسلمانی را باید در قلب و ذهن خود جا داده باشیم و با داشتن شک و تردید نباید که ایمان خود را تلف کنیم.

۱۸. اصطلاحات صوفیه، این رساله به معانی مختصر متجاوز از سیصد لغت و اصطلاح صوفیانه و توضیحاتی پیرامون آنهاست.
۱۹. رسالهٔ عبقات یا قنّوسیه، این رساله طبق التماس پادشاه کشمیر نگاشته و به او پند و اندرزهای مرشدانه داده است.
۲۰. رسالهٔ مشیّت، این رساله برای رهنمایی سالکان راه خداوندی است.
۲۱. حقیقت ایمان، این رسالهٔ ایمان صوفیه و سالکان است نه ایمان سادهٔ مسلمانی.
۲۲. رسالهٔ مشکل حلّ، این رساله براساس موضوع بیان مشکلات عرفان و معرفت خداوندی است.
۲۳. سیر و سلوک، حق‌الیقین، این رساله دربارهٔ مراتب سیر و سلوک سالکان و احوال اهل تصوّف و عرفان است.
۲۴. حلّ الفصوص، این رساله در مورد خلاصهٔ مطالب عرفانی فصوص‌الحکم تألیف محی‌الدین ابن عربی اندلسی (م: ۶۳۸ هـ) می‌باشد.
۲۵. نسبت خرقهٔ درویشی «فقریه»، این رساله در اصل وصیّت‌نامهٔ میر سید علی همدانی است که برای ملک خضر شاه حاکم «کونار» و نواحی آن نوشته است.
۲۶. درویشیه، این رساله در مجموعهٔ رسائل دراویش به وسیلهٔ خانقاه ذهبیه احمدی شیرازی در سال ۱۳۳۸ ش به چاپ رسید. سید در این رساله دربارهٔ مسلک درویشی و احوال درویشان نوشته است.
۲۷. آداب‌المریدین، این رساله خلاصه‌ای است از رسالهٔ فارسی شیخ نجم‌الدین کبری که به همین نام «آداب‌المریدین» است.
۲۸. انسان‌نامه، «قیافه‌نامه»، رساله به اسم قیافه‌شناسی یا علم‌القیافه یا مرآت‌الخیال هم شهرت دارد و موضوع آن دربارهٔ قیافهٔ انسانی و قیافهٔ ظاهر است.
۲۹. نوریه، این رساله در اساس تعلیماتی که سالک از انواع عبارات و ریاضات نفس به دست می‌آورد و به وجود «نور مانند» دست می‌یابد، نگاشته شده است.
۳۰. وجودیه، این رساله مشتمل بر بحث‌های عرفانی است.
۳۱. تلقینیه، موضوع این رساله این است: در بیان آداب مبتدی و طالبان حضرت صمدیّت و کیفیّت وصول و مقصود اصلی و مطلوب حقیقی.



۳۲. اسناد و اوراد فتحیه، این رساله در بیان اهمیت آداب صوفیانه و اعمال و عبادات، روزه، وضو، نماز و اذکار استوار است.
۳۳. رساله مناجات، این رساله به طور کلی قسمتی از رساله «واردات امیریه» است که به پیروی از مناجات معروف خواجه عبدالله انصاری هروی نوشته شده.
۳۴. آداب سفره، رساله شامل هشتاد و یک «ادب» است که مریدان در اکل و شرب باید نگاه دارند.
۳۵. طائفه مردم، در این رساله سید بنابر استعداد ذاتی مردم که در امور دینی دارند آنان را به چهار گروه تقسیم می‌کند.
۳۶. حقیقت نور و تفصیل انوار، موضوع این رساله درک حقیقت نور خدا توسط خاصان خدا است.
۳۷. اختیارات منطق الطیر (هفت وادی) این رساله شامل اشعار دعائیه منطق الطیر، منتخب عرفانی مرتبط المعانی است.
۳۸. اسناد حلیه حضرت رسول ص، این رساله بر مبنای حلیه مبارک حضرت رسول ص بیان شده است.
۳۹. اقرب الطریق اذا لم یوجد الرفیق (فارسی)، موضوع این رساله برای سالکان توصیه و اندرز است که در عدم کبر و خودبینی، خشوع و خضوع حقیقی لازم است.
۴۰. فتوتیه (فتوت نامه، کتاب الفتوة) این رساله شامل اشعار ظفر کافی همدانی (قرن ۴ ه) و عطار و نظامی و خود مؤلف است و آیین فتوت و جوانمردی است.
۴۱. فی السواد اللیل و لبس الاسواد، این رساله شامل توضیحاتی بر لباس ظاهر و باطن سالک مخلص و بی‌ریاست.
۴۲. رساله سؤالات (کلامی)، این رساله محتوی ده سؤال کلامی ارادتمندان و سائلان است که علی همدانی به جواب مختصر هر یک از سؤالات پرداخته است.
۴۳. معاش السالکین، این رساله براساس فرمایش یکی از مریدان مخلص خود به نام حاج قوام الدین بدخشی نوشته شده است و بحث درباره حلال و حرام است.
۴۴. مرادات دیوان حافظ، توضیحات و تفسیرات عرفانی دیوان حافظ.

۴۵. منهاج‌العارفین، در این رساله مجموعاً ۱۴۳ پند و اندرز و کلمات قصار بزرگان را برای مریدان و سالکان و عقیدتمندان جمع‌آوری شده است.

۴۶. اقوال در علم طب و کیمیا، این رساله شامل نامه برای جعفر بدخشی نصائح طبیبانه و ترکیب دوا نوشته است.

«امیرکبیر» شاه همدان به‌سرزمین کشمیر که توسط مقدار ناچیزی پول توسط انگلیس‌ها به «راجه دوگراه» هندو فروخته شده بود، آزادی و عزت و وقعت بخشید و با فرهنگ و تمدن اسلامی ایران و با بخشیدن و دمیدن روح زبان فارسی نام کشمیر را به «ایران صغیر» تبدیل کرد.

به‌قول عارف کبیر علّامه اقبال لاهوری:

دهقان و کشت و جوی خیابان فروختند قومی فروختند و چه ارزان فروختند

و در ارمغان حجاز می‌گوید:

همان کشمیر گر محکوم و مجبور و فقیر آمد	که نزد اهل بینش نامش «ایران صغیر» آمد
چه ظلم و چه ستم‌ها دید از دست زمان پی‌هم	فسانه گوی این غم، کلبه دهقان پیر آمد
مشو نومید ای قوم نجیب و تر دماغ، آخر	مکافات ستم باید رسد، هرچند دیر آمد

(ترجمه از اردو)

اقبال در جاویدنامه به‌هدایت مولانا جلال‌الدین محمد رومی به‌سیر افلاک می‌پردازد و سپس در آن سوی افلاک سری به‌جنت‌الفردوس می‌زند و به‌شرف زیارت «شاه همدان» فائض می‌شود، او می‌گوید:

از تپ یاران تپیدم در بهشت	کهنه غم‌ها را خریدم در بهشت
گفت «رومی» آنچه می‌آید نگر	دل مده با آنچه بگذشت ای پسر
نغمه‌ای می‌خواند آن مست مدام	در حضور «سید» و الامقام
سیدالسنادات سالار عجم	دست او معمار تقدیر امم
تا «غزالی» درس الله هو گرفت	ذکر و فکر از دودمان او گرفت
مرشد آن کشور مینو نظیر	میر و درویش و سلاطین را مشیر
خطه را آن «شاه» دریا آستین	داد علم و صنعت و تهذیب و دین
آفریدن آن مرد «ایران صغیر»	با هنرهای غریب و دلپذیر

یک نگاه او گشاید صد گره خیز و تیرش را به دل راهی بده...<sup>۱</sup>  
 آری نفوذ قدرت عرفانی و ایرانی این بزرگوار آنچنان در شبه قاره به اوج رسید که حتی بسیاری از حکام و امیران وقت حلقه ارادتش را در گوش کرده و با نهایت احترام از او یاد کردند. بنایی که سید در کشمیر در آن نماز می‌گزارد امروزه مرکز فعالیت‌های مسلمانان شبه قاره به خصوص در ایام مقدس عاشورا و تاسوعا می‌باشد پرچم‌های مسلمانان کشمیری به افتخار یاد «امیرکبیر سرزمین ایران، شاه همدان» در روز عاشورا به نشانه احترام فرود می‌آید. غیرمسلمانان نیز احترام خاص برای این صوفی سیاح ایرانی قائل می‌شوند.

شاه همدان بانی گسترش زبان فارسی و فرهنگ و تمدن‌های ایرانی در سرزمین کشمیر و شبه قاره است بزرگانی چون علامه اقبال لاهوری و دیگر شاعران به نام در ستایش و وصف او به زبان فارسی اشعار زیبا بخشیده‌اند.  
 «شاه همدان» نه تنها از مقام علمی و عرفانی خاصی در ایران و شبه قاره برخوردار است، بلکه مجاهدی است عظیم که بدون ریختن قطره خونی با روحی آرام به تبلیغ دین مبین اسلام در سرزمین خدایان سنگی پرداخت. به راستی روحش قرین رحمت حق باشد و یادش در قلب تمامی عارفان دین جاویدان...<sup>۲</sup>

### منابع و کتابیات

۱. برگزیده آثار عین‌القضاة همدانی مؤلفین محمد کاظم کهدویی، یدالله شکیبامن ۱۳۷۳.
۲. تذکره صوفیان بنگال (اردو)، دو جد، الطائف اشرفین.
۳. چهل اسرار غزلیات شاه همدان، دکتر م.م. مسعودی، انیس آفسیت پرنترز، دریاکنج، نئی دهلی.
۴. خلاصه المناقب اور مناقب میر سید علی همدانی، تألیف نورالدین جعفر بدخشی، به تصحیح دکتر سیده اشرف ظفر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۹۵/۱۳۷۴ م.

۱. کلیات اشعار فارسی اقبال، ص ۶-۴۱۵.

۵. صاحب مودة القربی دکتر سید حمد کمال الدین حسین همدانی، ناشر: یاور حسین جعفری، ۱۹۸۴ م.
۶. مروج اسلام در ایران صغیر، احوال و آثار میر سید علی همدانی به انضمام رساله همدانیه تألیف دکتر پرویز اذکایی، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۷۰ ه.ش.